

دفن کردن جسد پسر دایی در باغ خان عمو

متهم مدعی است مقتول با خواهرش رابطه داشته است

وکیل دادگستری که متهم است بعد از کشتاندن پسر دایی اش به باغی در شهرستان بهشهر، وی را به قتل رسانده و جسدش را همان جا دفن کرده مدعی است که مقتول با خواهرش رابطه داشته است.
به گزارش خبرنگار ما، اواخر اردیبهشت ماه امسال بود که مردی سراسیمه به اداره پلیس رفت و گفت پسرش به طرز مرموزی ناگهان گم شده است.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: ما خانواده پولداری هستیم و خانه‌ام در شمال شهر است. پسرم شهریار هنوز مجرد است، به همین دلیل با ما زندگی می‌کند، اما چند سالی است با سرمایه زیادی که در اختیارش گذاشته‌ام برای خودش کار می‌کند. او مدتی است در کار خرید و فروش و ساخت و ساز خانه فعالیت دارد. چند روز قبل او به من گفت با پسر خواهرم - میلاد - قرار کاری دارد و چند روزی با او به یکی از شهرستان‌های شمالی می‌رود. از آنجایی که میلاد وکیل دادگستری است، احتمال دادم پسرم برای خرید و فروش ملک یا خانه‌ای با او به شمال رفته است. یک روز بعد برای انجام کاری به تلفن همراه شهریار زنگ زدم، اما تلفنش خاموش بود تا اینکه چند ساعت بعد دوباره تماس گرفتم، باز هم تلفنش خاموش بود به همین دلیل نگرانش شدم و با پسر خواهرم تماس گرفتم تا از حال پسرم باخبر شوم. وقتی با میلاد تماس گرفتم، مدعی شد وقتی با هم وارد شهرستان بهشهر شده‌اند، پسرم برای انجام کاری از او جدا شده و دیگر او را ندیده است.

■ **به خواهرزاده‌ام مشکوکم**

شاکی در حالی که گریه می‌کرد، ادامه داد: شهریار خودروی گرانیقیمت خارجی دارد و نمی‌دانسم به چه علت با خودروی امانتی خواهرزاده‌ام به شمال رفته است. من به حرف‌های



قتل جنگلیان

به دست قاچاقچیان چوب

چهار قاچاقچی چوب در شهرستان نور مازندران بعد از قتل جنگلیان گریختند.

رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان نور گفت: ساعت ۴:۴۰ یک بلساد درپروز، مأموران یسگان حفاظت از جنگل در منطقه سالدِه جِمستان، هنگام مأموریت گشت با دو خودروی نیسان حامل چوب‌های جنگلی مواجه شدند. مرتضی مهدی‌زاده گفت: قاچاقچیان با مشاهده خودروی جنگلیانی، عاملانۀ خودروی نیسان خود را به اتومبیل جنگلیانان کوبیدند تا بتوانند راه خود را باز کنند، اما با مقاومت جنگلیانان مواجه شدند.

وی ادامه داد: با مقاومت جنگلیانان، قاچاقچیان اقدام به تیراندازی کردند که در جریان آن یکی از مأموران جنگلیانی به‌نام «فضل‌الله علی پور» کشته شد و سه جنگلیان دیگر زخمی شدند. مهدی‌زاده گفت: قاچاقچیان چوب پس از این قتل فرار کردند و تلاش پلیس برای شناسایی و تعقیب این چهار قاچاقچی فراری ادامه دارد.

شرکت کنندگان

در پارتی مختلط شلاق خوردند

دادستان عمومی و انقلاب قزوین از دستگیری بیش از ۳۰ دخترو پسر نیمه‌عربان در پارتی شبانه در یکی از باغ‌های اطراف این شهر خبر داد.
حجت‌الاسلام صافقی نیارکی گفت: بیش از ۳۰ دختر و پسر به بهانه شرکت در جشن فارغ‌التحصیلی در حال رقص و پایکوبی بودند که دستگیر و مجازات شدند. وی از اجرای حکم شلاق تمام شرکت‌کنندگان در فردای روز دستگیری خبر داد و گفت: هر یک از متهمان در ۹۹ ضربه شلاق تعزیری محکوم شدند که حکم صادره در همان روز درباره آنها اجرا شد. وی افزود: اجرای حکم شلاق توسط پلیس امنیت اخلاقی به اجرا درآمد تا درس عبرتی باشد برای افرادی که مبادرت به هنجارشکنی می‌کنند.

صاعقه جان چوپان را گرفت

چوپان جوان هنگام چرای گوسفند‌ها در یارس آباد با اصابت صاعقه جان باخت.

این حادثه روز پنج‌شنبه در نزدیکی روستای گوشلواز توابع بخش مرکزی یارس آباد اتفاق افتاد و چوپان جوان که مشغول چرای گوسفند بود بر اثر اصابت صاعقه جان باخت.

بازنگاه حقوقی

میزان نفقه

تأمین نفقه در مناطق مختلف، اندازه، متفاوتی دارد و قانون برای آن حد مشخصی در نظر نگرفته است. میزان نفقه را شئون خانواده کی زن، عرف و عادت ساکنان هر منطقه و وضع مالی مرد تعیین می‌کند و اگر زن مردی در رقم تعیین شده توافق نداشته باشد، بالا برد، قانونگذار به نیازهای زن، متناسب با شأن او توجه دارد و کار زیادی با توان مالی مرد ندارد، یعنی اگر مرد برای به دست آوردن جایگاه خاص با زنی از طبقه بالا ازدواج کند، باید نفقه متناسب با شأن او بپردازد. البته در این مورد رویه‌ای وجود دارد که براساس آن کارشناس به خاطر مصالح خانواده ناتوانی مالی مرد را به صورت پنهان در نظر می‌گیرند و در تعیین میزان نفقه، مراعات مرد را می‌کنند.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه پرداخت نفقه بعد از عروسی به مرد واجب می‌شود.

مرد جوان وقتی به اتهام سرقت بازداشت شد، خودش را با مشخصات جعلی به پلیس معرفی کرد، غافل از اینکه فردی با همان مشخصات به جرم قتل تحت تعقیب پلیس قرار داشت!

این مرد وقتی از ماجرا با خبر شد، برای اثبات بی‌گناهی اش به جرم قتل به سرقت‌های که مر تکب شده بود، اقرار کرد و همه او را قوی‌اش را در اختیار پلیس گذاشت.

به گزارش خبرنگار ما، روز شنبه اول اردیبهشت ماه مأموران کلانتری ۱۱۴ غیابی هنگام گشتی در خیابان شوش به مردی که مشغول فروش لوازم دست بود، مشکوک شدند. مأموران احتمال دادند لوزم داخل بساط وی سرقتی است بنابراین برای بررسی بیشتر به مرد دستفروشی نزدیک شدند. آنها در بازرسی پدنی از مرد جوان دو گوشی هم کشف کردند که احتمال می‌رفت گوشی‌ها سرقتی باشد. مرد جوان در حالی که رنگ از صورتش پریده بود، مدعی شد همه لوازم داخل بساطش متعلق به همسرش است که به

خطار مشکل مالی برای فروش بساط کرده است. وقتی مأموران از وی در خواست کارت شناسایی کردند، مرد دستفروش خودش را معرفی کرد و گفت او را ق هویتی همراه ندارد. مأموران در ادامه نام، نام خانوادگی و نام پدر مرد دستفروش را که خودش را با این مشخصات معرفی کرده بود، از سامانه مرکزی پلیس استعلام کردند تا سوابق وی مشخص شود. دقایقی بعد مرکز پلیس اعلام کرد مردی با این مشخصات مدتی قبل در شهرستان مشهد مرتکب قتل شده و از آن تاریخ به بعد تحت تعقیب پلیس جنایی مشهد است. همین موضوع باعث شد تا مأموران کلانتری به داستان مرد جوان به اتهام قتل دستبند بزنند. مرد جوان وقتی دستبند آهنی در دستش قفل شد با گریه و التماس مدعی شد که مشخصاتم را اشتباهی گفته‌ام و اصلا در مشهد مرتکب قتلی نشده‌ام، اما حرف‌های وی فایده‌ای نداشت و مأموران مرد دستفروش را به اداره پلیس منتقل کردند.

پس از این موضوع، به دادسرای جنایی پایتخت

گزارش شد و مأموران اعلام کردند مرد دستفروشی را دستگیر کرده‌اند که از مدتی قبل به خاطر قتل شهروندی در مشهد تحت تعقیب کلراگاهان ویژه مبارزه با قتل بوده‌است. در چنین شرایطی قاضی شهریاری، سرپرست دادسرای جنایی مشخصات گفته شده متهم را به دادسرای مشهد اعلام کرد و بازرس ویژه قتل مشهد تأیید کرد مردی با این مشخصات شناسنامه‌ای مدتی است به جرم قتل عمد تحت تعقیب مأموران پلیس است.

متهم در بازجویی‌های بعدی گفت که دروغ گفته بوده و تنها جرمی که تاالان مرتکب شده، سرقت است. پس از این مأموران برای شناسایی هویت واقعی از وی انگشت‌نگاری کردند که بررسی‌ها نشان داد، متهم چندین سابقه سرقت در کارنامه‌اش دارد و اهل تهران است. چند روز قبل متهم برای بازجویی به شعبه چهارم دادسرای جنایی منتقل شد و به قاضی آرش سیفی گفت که مشخصاتش را دروغ گفته است.

را ترک کردم و توبه کردم تا دیگر دنبال خلاف نروم.

چه شد که توبه کردی؟

من یک دختر ۱۵ ساله دم‌بخت دارم به همین دلیل یک سال قبل که از زندان آزاد شدم، توبه و حتی با همسرم آشتی کردم که به خاطر خنترم دوباره با هم ازدواج کنیم و الا ن هم یک سال است که هیچ خلافی مرتکب نشده‌ام.

اما دادگاه عمومی به خاطر سرقت برای تو به صورت غیابی حکم صادر کرده و از سوی اجرای احکام دادسرای ناحیه ۲۴ تهران تحت تعقیب هستی؟

نمی‌دانم این حکم غیابی برای چه اتهامی صادر شده است. همین قدر می‌دانم که از یک سال قبل

دختران فراری طعمه زورگیران بودند

توفق کرد و مر از داخل خودرو به داخل خیابان پرتاب کردند از محل گریختند.
مسافله ایردومسی باز پرس دادسرای ناحیه ۳۴ برای شناسایی زورگیران خشن در اختیار تیمی از کاراگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران بعد از تحقیق مرد ۳۰ساله‌ای به نام ارسلان رابازداشت کردند. متهم در بازجویی به ۲۰ فقره زورگیری اعتراف کرد.

وی گفت: من و دامادمان ابراهیم هر دو در پوشش مسافرنکنی از شهروندان زورگیری می‌کنیم، برای اینکه مسافران به ما مشک نکنند از دختران فراری و معتاد استفاده می‌کنیم و آنها را در صندلی عقب خودرو سوار می‌کنیم تا زنان به ما اعتماد کنند و سوار شوند. وی در ادامه گفت: بعضی روز‌ها که دختر فراری پیدانی کنیم برای اجرای نقشه‌مان از خواهرم که زن ابراهیم است برای زورگیری استفاده می‌کنیم.

مأموران پس از این، دو همدست متهم را بازداشت کردند. دو متهم در بازجویی‌ها حرف‌های ارسلان را تأیید کردند. تحقیقات از متهمان به دستور قاضی علی وسیله ایردومسی ادامه دارد.



هیچ جرمی مرتکب نشده‌ام.

وسایلی که می فروختی سرقتی بود؟

نه. وسایل خودمان بود که از قبل در خانه‌ام مانده بود. من بیگناهم و از قاضی درخواست می‌کنم من را آزاد کند.

پای پیرمرد

زیر جرخ اتوبوس له شد

بی‌احتیاطی راننده اتوبوس تسنرو در خیابان ولی عصر سبب شد تا پای مرد سالخورده زیر چرخ اتوبوس له شود.
این حادثه روز پنج‌شنبه اتفاق افتاد و مرد سالخورده از ناحیه پای راست به شدت دچار جراحات شد.

خیلی زود یکی از مسافران با خریدن یک روسری خودش را به مرد مجروح رساند و قبل از آمدن امدادگران شروع به امداد رسانی اولیه کرد.



خرید خانه و خودروهای لوکس با پول‌های سرقتی

مجرمان سابقه‌دار از پلیس و زندان واهمه ندارند



مجرمان سابقه‌دار که با دستبرد به خانه‌های مردم بیش از ۷ میلیارد تومان پول و طلا به جیب زده‌اند، باز دیگر به دام پلیس افتادند.



ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه دوازدهم بهمن ماه سال گذشته بود که مدیر ساختمانی مسکونی در امیرآباد شمالی هنگام کنترل ساختمان با دوربین مداربسته متوجه شد چهار مرد ناشناس بعد از شکستن قفل در ساختمان وارد پارکینگ شدند. مدیر ساختمان خیلی زود ساکنان را از ماجرا با خبر کرد. آنها موفق شدند یکی از ساکنان را دستگیر کنند، اما سه نفر دیگر سوار یک خودروی سمند سفید رنگ شدند و از محل فرار کردند.



لحظاتی بعد از ماجرا بود که ساکنان ساختمان با مأموران کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد تماس گرفتند و مرد بازداشت شده را که ۳۷ساله به نام حمیدرضا م. بود، به آنها تحویل دادند. از آنجا که احتمال می‌فت حمید و همدستانش در سرقت‌های مشابه دست داشته باشند، پرونده برای انجام

تحقیقات تخصصی در اختیار کاراگاهان پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. وقتی سوابق حمیدرضا بررسی شد، مشخص شد که او و همدستانش با خودروهای لوکس اقدام به سرقت از منازل کرده است. حمیدرضا در اولین تحقیقات اقرار کرد که با همدستی اعضای باند در دهها سرقت از خانه در نقاط مختلف شهر دست داشته است.

روح‌الله ۲۸ساله، امیرم ۲۶ساله، حمیدرضا ک. ۲۶ساله، رضاف ۳۳ساله (تحت تعقیب پلیس)، جلال الف ۲۸ساله، حمیدرضا ک. رضا ک. ۲۴ساله و محسن م. ۳۴ساله سایر اعضای باند بودند که حمیدرضا آنها را به پلیس معرفی کرد و نشانی هایشان را در اختیار کاراگاهان گذاشت. حمیدرضا همچنین گفت که پنج کیلو طلای سرقتی را هم به خریدار اموال مسروقه که محسن الف ۲۲ساله نام داشت، فروخته است.

با به دست آمدن این اطلاعات بود که کاراگاهان سوابق مجرمان را بررسی کردند و متوجه شدند که آنها از مجرمان حرفه‌ای هستند که برخی از آنها تحت تعقیب قضایی قرار دارند و از مدتی قبل با تشکیل باندی تازه دست به سرقت از آپارتمان‌ها می‌زنند.

در شاخه دیگری از بررسی‌ها، مخفیگاه اعضای باند و خریدار اموال سرقتی در خانی آباد، خزانه و یاخچی با شناسایی شد و تمامی اعضای گروه در چند عملیات همزمان دستگیر شدند. اعضای این باند در اولین بازجویی‌ها به دهها سرقت از آپارتمان در نقاط مختلف پایتخت به ویژه در مرداران، یوسف آباد، شهرک ژاندارمری، صادقیه، اشرفی اصفهانی، ستارخان، میدان گل، سیخندان، میدان قاضی، بلوار تعاون، کارگر شمالی، کارگر جنوبی، بلوار آلاه، شهران، نازی آباد، شهرک وصال، شهرزبیا، آیت‌الله کاشانی، شریعتی، خیابان فلسطین، خیابان دولت، خیابان جمالزاده، خیابان قاضی، زرگنده، آرپاشهر، خیابان بهبودی، خیابان کراوان، خیابان زرتشت، میرداماد، منیریه، امیرآباد شمالی، سه راه ضرابخانه، پاسداران و خیابان ابن سینا اقرار کردند. بعد از شناسایی شاکیان بود که مشخص شد ارزش اموال سرقتی بیش از ۷ میلیارد تومان است. بنابراین به دستور قاضی بخشی از اموال متهمان توقیف شد. این اموال توقیف بیش از ۶۵۰ میلیون تومان در حساب بانکی به یکی از اعضای باند، کشف بیش از ۳۵۰ گرم طلای خریداری شده از وجوه حاصل از سرقت، توقیف یک دستگاه خودروی ایتیمتا، توقیف یک دستگاه خودرو الترنو،

سرنگ کاراگاه محمد نادریبگی، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: برای شناسایی جرائم دیگر اعضای این گروه، متهمان در اختیار پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دارند و تحقیقات از آنها به صورت مستمر در دستور کار تیمی از کاراگاهان پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

۳دزد سابقه‌دار دوباره میهمان پلیس شدند

سه مجرم سابقه‌دار که به اتهام سرقت تحت تعقیب پلیس بودند، بازداشت شدند و از مخفیگاهشان اموال سرقتی بسیاری کشف شد. حمیدرضا. ج ۲۲ساله، ظهیر. الف ۴۰ساله و سامان. خ ۱۹ساله بعد از بازداشت به سرقت‌های تازه‌ای اقرار کردند.



به گزارش خبرنگار ما، کاراگاهان پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران در کنترل مجرمان سابقه‌دار سه متهم تحت تعقیب را در شهرک سجاده‌یه، فرچک ورامین و فردیس کرج شناسایی و بازداشت کردند. بعد از انتقال متهمان به اداره پلیس، شکایات‌های مطرح شده علیه این سه متهم بررسی شد و شاکیان به اداره پلیس دعوت شدند.

یکی از شاکیان که حمیدرضا را به عنوان سارق گوشی خودش شناسایی کرده بود، گفت: چهارم اردیبهشت ماه در حال عبور از خیابان خیام شمالی بودم. همزمان با تلفن همراهم حرف می‌زدم که حمیدرضا سوار بر موتور هوندای ۱۲۵ مشکی رنگ از روبه‌رو نزدیک شد و بعد از سرقت گوشی‌ام فرار کرد. از آنجا که مأموران پلیس گوشی تلفن همراه شاکی را از مخفیگاه حمیدرضا کشف کرده بودند، او به سرقت گوشی شاکی و چند سرقت مشابه اقرار کرد. شاکی دیگر که ظهیر را به عنوان دزد اموالش شناسایی کرده بود، گفت: چهارم اسفندماه سال گذشته سوار اتوبوس تندروی خط خاوران به آزادی بودم. وقتی در ایستگاه مولوی پیاده شدم، متوجه شدم کیف پول و دو سال قبل را در زندان بوم، وقتی آزاد شدم دوباره شروع به سرقت ظهیر را دیدم که خودش را به من نزدیک کرده بود. آنجا بود که فهمیدم او تلفن همراه و کیفم را سرقت کرده، اما اتوبوس حرکت کرد و نتوانستم او را گرفتار کنم. ظهیر هم در بازجویی‌ها به سرقت‌های بسیاری از مسافران اتوبوس‌های تندرو اقرار کرد. او گفت اولین بار سال ۷۲ به جرم سرقت بازداشت شدم و دو سال قبل از زندان بوم، وقتی آزاد شدم دوباره شروع به سرقت کردم تا اینکه گرفتار پلیس شدم سومین متهم که سامان نام داشت و تصویر او در زمان سرقت از رهگذران در خیابان‌های سعدی، مخبرالدوله و فردوسی توسط دوربین‌های ملامت‌ثبت شده بود، هم به دهها سرقت در مناطق مرکزی تهران به ویژه در محدود بازار تهران، خیابان بهشت، میدان فردوسی، سعدی و همچنین فدائیان اسلام، مجاهدین اسلامی، مخبرالدوله و... اعتراف کرد. سرنگ کاراگاه شمس الدین میرزکی، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: توجه به سوابق متهمان در انجام سرقت از مالباختگانی که به این شیوه هدف سرقت قرار گرفتند، دعوت می‌شود برای پیگیری شکایات خود به نشانی پایگاه هفتم پلیس آگاهی در میدان پانزده خرداد با مراجعه کنند».